

بسم الله الرحمن الرحيم

خواندن زنده قرآن در پرتو آیه ﴿فَافْرُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ﴾

(ترجمه)

در میان همه نبردهای فکری، سیاسی و نظامی‌ای که امت اسلامی امروز درگیر آن است، به یاد می‌آوریم که نخستین کلمه‌ای که از وحی نازل شد این بود: ﴿افْرُوا﴾ سپس آیات پی‌درپی آمد تا انسان را دوباره به پیوند با پروردگارش بازگرداند تا آن‌که سوره مزمل با این قاعده بزرگ پایان یافت: ﴿فَافْرُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ﴾

این آیه تنها یک خطاب عبادی صرف نیست؛ بلکه رهنمودی الهی است که رابطه امت را با کتابش تعیین می‌کند: خواندن، تدبیر، مراقبت و پیوند زدن حرکت روزانه مسلمان با وحیی که آمده است تا زندگی انسان، جامعه و دولت را سامان دهد. علمای امت در طول قرن‌ها دریافته‌اند که این آیه، اصلی است در وجوب مراقبت و پیوستگی با قرآن و اینکه مسلمان باید برای خود وردی ثابت داشته باشد، هرچند اندک تا روزی از او بدون تلاوت کتاب الله سپری نشود.

طبری بیان می‌کند که این فرمان، پس از تخفیف، دلالت بر پیوستگی و استمرار دارد. قرطبی این آیه را دلیلی می‌داند که هیچ روز مسلمان نباید از تلاوت خالی بماند. ابن‌کثیر، شوکانی، نووی، ابن‌رجب و دیگران نیز آن را کلیدی برای باقی‌ماندن ارتباط همیشگی با قرآن قرار داده‌اند. اما آن قرائتی که قرآن خواسته، صرفاً تکرار کلمات نیست و نه تلاوتی که تنها برای برکت انجام شود؛ بلکه قرائتی است که اندیشه را به حرکت درآورد و آگاهی بسازد؛ قرائتی که بصیرت را روشن کند و انسان را به اقدام برای تغییر واقعیت وا دارد. قرآن نازل شده است تا خوانده شود و اطاعت گردد، نه آن‌که تنها برای زیبایی صدا آراسته شود.

مقصود از ﴿مَا تَيَسَّرَ﴾ این نیست که مسلمان به مقدار اندکی بسنده کند، بلکه آن است که اندازه‌ای را برگزیند که بتواند با قدرت و ثبات بر آن استمرار داشته باشد. امروز امت بیش از هر زمان دیگر به قرائتی نیاز دارد که او را از غربت تمدنی به پیشوایی و رهبری برساند؛ قرائتی که مسلمان را به جایگاه درستش بازگرداند، حامل رسالت اسلام باشد، کوشنده برای برپایی حکم به‌آنچه الله سبحانه و تعالی نازل کرده باشد و استخراج‌کننده تصور جامع از وحی درباره زندگی، سیاست، اقتصاد و جامعه باشد. چه بسیار مسلمانانی که سراسر قرآن را می‌خوانند، از آیات حکم می‌گذرند، از آیات جهاد، آیات عدالت و ظلم عبور می‌کنند، اما از خود نمی‌پرسند: جایگاه این احکام امروز کجاست؟ چرا اجرا نمی‌شود؟ و چه بسیار قاریانی که ختم قرآن می‌کنند، اما ختم اندیشیدن به مسؤولیت کار برای برپایی دولت خلافتی را که این احکام را در واقعیت پیاده کند، انجام نمی‌دهند! دعوت به ﴿فَافْرُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ﴾ امروز تنها دعوت به افزایش صداهای خوش‌خوان نیست؛ بلکه دعوتی است به یک نهضت فکری سیاسی که امت را دوباره به سوی وحی بازگرداند و او را از واقعیت تجزیه، سلطه و داوری‌بردن نزد طاغوت رهایی بخشد.

قرآن برای آن نازل شده که اطاعت گردد. تلاوت می‌شود تا اجرا شود؛ حفظ می‌گردد تا با آن حکم رانده شود. اما در زمانی که بسیاری از مردم تنها به ورد لفظی بسنده می‌کنند، نیروهای کفر و استعمار سرگرم نوشتن واقعیتی تازه برای امت‌اند، واقعیتی دور از کتاب پروردگارش. در اینجا است که اهمیت بازخوانی قرآن به‌صورت زنده و الهام‌بخش آشکار می‌شود؛ قرائتی که اندیشه‌ها تغییر می‌آفریند و درمی‌یابد که راه‌هایی از آن‌جا آغاز می‌شود که بندگان دوباره با رب‌العباد پیوند یابند. این جز با زنده‌کردن طرح اسلام در حکومت و برپایی دولت آن تحقق نمی‌یابد. پس باید هر مسلمانی وردی ثابت و تلاوت تدبیری از قرآن داشته باشد؛ وردی که فهم او را بسازد، عزمش را تازه کند و او را به راه حق و کار برای آن یادآور شود. شعار ما باید چنین باشد: بخوان تا برخیزی... بخوان تا عمل کنی... بخوان تا قرآن بار دیگر حاکم واقعیت امت گردد.

نویسنده: تقی الدین البکاری

مترجم: پارسا امیدی